

سخن سردبیر

در «سخن سردبیر» آینه میراث (شماره ۵۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، مطالبی در کم‌ارزشی کارهای تکراری و لزوم ورود به عرصه‌های نرفته و جاده‌های نکوینده بیان شده بود. یکی از همکاران ارجمند آینه میراث، طی دو سه نامه‌ای به دفتر مجله، ما را مؤاخذه کرده بودند که چرا مجله در همان شماره ۵۹، به‌خلاف حرف خود عمل کرده و مقاله‌ای را چاپ کرده که «هیچ حرف تازه‌ای برای مخاطبان ندارد و بدون هیچ ارجاعی، بازگویی و تکرار مطالبی است که سال‌ها پیش از چاپ این مقاله، در مقالات زیر طرح شده بود». آنگاه همکار معترض ما عنوان سه مقاله‌ای را که به تنهایی یا به اتفاق همکاری دیگر، پیش‌تر منتشر کرده بودند، ذکر می‌کنند. سپس از مقاله چهارمی مربوط به موضوع همان سه مقاله نیز یاد می‌کنند که چون آینه میراث در چاپ آن تأخیر کرده بود، و بنا به گفته ایشان «فوریتی برای چاپ مقاله وجود داشت»، آن را به نشریه دیگری فرستادند و پذیرش گرفتند؛ البته بدون این‌که نخست به دفتر آینه میراث خبر بدهند.

همکار ما در جایی دیگر از اعتراضیه خود می‌نویسند: «...در شرایطی که جستجو و دسترسی به هر یک از مقالات مذکور [مراد سه مقاله خودشان است که قبلاً به چاپ رسیده بوده است]، برای نویسندگان محترم مقاله [ای که «هیچ حرف تازه‌ای» نداشته] در عصر اینترنت، در چند دقیقه میسر می‌شد، تألیف و چاپ چنین مقاله‌ای... هیچ توجیه

قانع‌کننده‌ای ندارد». سپس مؤکداً خواسته‌اند که «این مهم پیگیری» شود و نامه‌ی ایشان و پاسخ آن از طریق مجله «به اطلاع عموم خوانندگان» برسد.

حال بگذریم از این که مقاله‌ای که بنا بر قضاوت داور مجله آینه میراث چاپ آن مشروط به اعمال مقدار قابل ملاحظه‌ای تغییرات و اصلاحات بوده، در کوتاه مدتی بی هیچ معطلی از جانب نشریه‌ای دیگر پذیرش گرفته است؛ امید که داوران آن نشریه فقط بی هیچ فوت وقت، اشکالات مقاله را به اطلاع نویسنده محترم رسانده و با توجه به «فوریتی» (!) که داشته، آن را نشر کرده‌اند. جای خوشحالی است که به هر صورت مقاله همکار عزیز ما به چاپ رسیده، اما چرا اصرار دارند که «در اسرع وقت» ایشان از چرایی چاپ مقاله‌ای عاری از «حرف تازه»، در آینه میراث، مطلع شوند و ضمناً «نامه‌ی ایشان» و «پاسخ آن» در مجله «به اطلاع عموم خوانندگان» برسد. در واقع از نشریه می‌طلبند که حکم محکومیتی را که از جانب ایشان صادر شده، خود در آینه میراث اعلان کنیم. ما اکنون این کار را می‌کنیم؛ التّهایه، به عنوان آخرین دفاع می‌پرسیم:

۱. آیا شکایت همکار فاضل مجله از حرف تازه نداشتن مقاله مورد اعتراض و انکار ایشان است یا از این که چرا نویسندگان در مقاله خود «بدون هیچ ارجاعی» مطالب آن سه مقاله را بازگو کرده‌اند؟ آیا نویسندگان را به مسامحه و تبلی می‌کنند یا به «انتحال»؟ از عبارت «بدون هیچ ارجاعی» بوی انتحال شنیده می‌شود، ولی از پیش کشیدن «عصر اینترنت» و سهولت پیدا کردن منابع، شائبه انتساب قصور یا سهل‌انگاری به مؤلفان احساس می‌شود. چنانچه بر اثر اهمال در استقصای کامل به کمک اینترنت، نویسندگان از وجود سه مقاله یادشده بی‌خبر مانده‌اند، پس چگونه است که «بسیاری از دستاوردهای» آن دو نویسنده «بیشتر (!) در برون‌دادهای پژوهشی» همکار معترض ما «ارائه شده بود».

۲. آیا نباید صدور حکم مستند به ادله و شواهدی محکمه‌پسند باشد؟ دو لفظ «بسیاری» و «بیشتر» در عبارت فوق، که تصور جمع شدنش در چنین فاصله کوتاهی آسان نیست، ما را کمک نمی‌کند که بدانیم دقیقاً چه فقراتی از مقاله خالی از «حرف تازه» برگرفته از مقالات همکار ارجمند ماست. ای کاش ایشان آن فقرات را کتباً یک‌به‌یک به تحریریه مجله گزارش می‌دادند تا آینه میراث آنها را به آگاهی نویسندگان انتحال‌کننده یا

مسامحه کار می‌رساند و از حضرات توضیح می‌خواست. همکار معترض ظاهراً حتی یک لحظه هم درنگ و شک نکرده‌اند که نتیجه‌گیریشان ممکن است صددرصد صائب نباشد و مقتضی مستندات ملموس و عینی باشد.

از همه اینها گذشته، همکار معترض توجه نفرموده‌اند که تذکرات مندرج در «سخن سردبیر» تأکید بر الگوها یا اهداف غایی است که آینه میراث می‌کوشد به آنها دست بیابد، نه این‌که به آنها دست یافته و، بی‌ملاحظه و طابق النعل بالنعل، آنها را در رد و قبول مقالات رسیده ملاک قرار می‌دهد. رسیدن کامل و دلخواه به این اهداف شاید اگر محال نباشد، سخت دشوار است و در شرایط تحقیق و نگارش در ایران امروز دشوارتر. اگر بنا بر این باشد که همه مقالات به محک الگوهای آرمانی و حد کمال سنجیده شود، بیشتر آنها پروانه عبور نخواهند گرفت. پس، باید به حرکتی تدریجی ولی ارتقایی رضایت بدهیم. انذارها و هشدارها برای آن است که ارباب تحقیق فقط بدانچه تا کنون انجام داده و می‌دهند قانع نباشند؛ نوجو باشند؛ فقط پا جای پای دیگران نگذارند و از خود هم ابتکار نشان دهند؛ راه‌های ناپیموده را بپیمایند و رفته‌رفته از مرحله دوباره‌کاری‌ها، وصله‌پینه کردن پژوهش‌های دیگران، آویزان شدن به کار این و آن، در سایه کارهای محققان دیگر رفتن، و باید و نباید گفتن‌های ملال‌آور در حق کرده‌های دیگران فاصله بگیرند و خود آغازگر و مبتکر پژوهش در حوزه‌های ناشناخته شوند. البته، اینها همه غایات و آرمان‌هاست که فاصله پژوهشگران با آنها یکسان نیست؛ در حالی که بعضی از آنها به غایات نزدیک‌تر شده‌اند، شمار زیادی بسیار فاصله دارند. تلاش آینه میراث به این است که گاه‌به‌گاه همکاران خود، به‌ویژه مبتدی‌ترهای عرصه تحقیق را متذکر اهداف غایی بکند. این‌که تا چه حد در این راه توفیق حاصل شود بستگی دارد به درجه عنایت، واکنش و یاری همکاران مجله؛ آینه میراث سعی خود را می‌کند:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل اگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم